



«کوچه باغ خاطره ها»

اعظم فرخ زاد (آخوندزاده)

پاییز ۱۳۹۶

سرشناسه	:	آخوندزاده، اعظم (فرخزاد)، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	کوچه باغ خاطره‌ها/ اعظم فرخزاد (آخوندزاده).
مشخصات نشر	:	اهر: شمیسا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۴۸۰ ص: ۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۳۳۰۰۰۰ ریال 4-35-8459-600-978 :
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century
رده - ی کنگره	:	PIR ۷۹۲۹ ۱۳۹۶ ۱۳۵۷۷/خ
رده بنیادی دیسی	:	۸۴۳/۶۲
شماره کتاب‌ناسی ملی	:	۴۹۲۱۶۹۲



انتشارات شمیسا - ۰۹۱۴۹۲۰۶۰۱۱

* نام کتاب: کوچه باغ خاطره‌ها

- اعظم فرخزاد (آخوندزاده)
- * ویراستار: مریم آخوندزاده
- * حروف چین: مریم تونتاب
- * ناشر: انتشارات شمیسا
- * تعداد صفحه و قطع: ۴۸۰ صفحه، رقعی
- * نوبت چاپ: چاپ اول زمستان ۱۳۹۶، اهر
- * شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- * چاپ و صحافی: اعظم
- * شابک: 4-35-8459-600-978
- * قیمت: ۳۳/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۶.....	مقدمه.....
۷.....	فصل ۱.....
۴۴.....	فصل ۲.....
۷۷.....	فصل ۳.....
۱۰۰.....	فصل ۴.....
۱۱۲.....	فصل ۵.....
۱۴۷.....	فصل ۶.....
۱۶۶.....	فصل ۷.....
۱۷۰.....	فصل ۸.....
۱۷۸.....	فصل ۹.....
۲۰۳.....	فصل ۱۰.....
۲۳۱.....	فصل ۱۱.....
۲۸۱.....	فصل ۱۲.....
۳۱۰.....	فصل ۱۳.....
۳۲۵.....	فصل ۱۴.....
۳۴۵.....	فصل ۱۵.....
۳۶۵.....	فصل ۱۶.....
۴۰۱.....	فصل ۱۷.....
۴۰۶.....	فصل ۱۸.....
۴۲۲.....	فصل ۱۹.....
۴۳۳.....	فصل ۲۰.....
۴۶۷.....	فصل ۲۱.....

مقدمه

به نظرم بهترین خاطرات انسان در دوران نوجوانی و جوانیش شکل می گیرد. آن چه که می بیند و می شنود؛ تمامی بازیگوشی هایی که روزگارش را می سازد و نیز اتفاقاتی که بر او و اطرافیانش رخ می دهد چون نقشی بر سنگ تا ابد در یادش حک می گردد، هر چند که صحنه ها بسیار کم رنگ و محو شده باشد، لیکن تلخی ها و ناکامی ها با گذشت زمان به خاطراتی حسرت بار ولی شیرین بدل می شود.

روز به روز جوان بودم که به همراه خانواده از تهران به زادگاهم برگشتم در تمام سال هایی که در این شهر زندگی کردم و آن چه را که دیدم و لمسش کردم و خاطراتش تاکنون همراه من بوده است، را بر این پشت تا بار دیگر در قالب رمانی دیگر برای همیشه در اذهان مردم شهرم نگه دارم چرا که باور دارم همه ما خاطراتی از این دست فراوان داریم. سال ها بعد از آن که ساکن تبریز شده بودم و تا این زمان که عمر و جوانی طی شده یادآوری دوران زندگی در شهر همیشه سرسبز، اهر، برایم لذت بخش است چنان که دست مایه داستان چندین اثر بنده به این خطه و این شهر و کوچه باغ هایس مربوط می شود. این بزرگ شهر کوچک، با طبیعت بکر و باغ های پربارش، رودخانه های رحل و غرورش، سادگی و مهربانی مردمانش، مرا چنان مجذوب خود می کند که هرگز آن را با کسی که در آن رشد کردم و بالغ شدم، قابل قیاس نیافتم. محدودیت های زندگی در یک شهر کوچک مرا دانتنگ آزادی های زندگی در یک شهر بزرگ نکرد! خاطرات دلنشین باغات و طبیعت افراسیاب از آن تا ابد همراهیم خواهند کرد.

قصه کتاب حاضر مربوط است به خاطرات بنده از شروع انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی و صد البته که تمامی صحنه ها، ماجراها و شخصیت ها بر پایه تخیل من ساخته شده است. امیدوارم مردم شهر و سرزمینمان این کتاب را که بر پایه واقعیات بنا شده است، دوست بدارند و بنده آن را به همه مردم قهرمان و هنرپرور آذربایجان تقدیم می کنم.

با سپاس از دوست عزیز و گرانقدرم سرکار مهربانو سهیلا قربانی که اشعارشان زینت بخش سطور این کتاب گردید.